



رابطه متقابل گریز مالیاتی و عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از سیستم معادلات همزمان و روش برآورد 3SLS

سعید طهماسبی خورنه^۱

اسفندیار ملکیان کله‌بستی^۲

بهناز حیدری^۳

چکیده

گریز مالیاتی به فرآیندهایی پیچیده اطلاق می‌شود که واحدهای برای کاهش مالیات پرداختی به دولت اقدام می‌نمایند. گریز مالیاتی می‌تواند بر عدم تقارن اطلاعاتی شرکت تأثیرگذار باشد و در مقابل عدم تقارن اطلاعاتی شرکت نیز می‌تواند بر گریز مالیاتی واحد تجاری اثر بگذارد. بر این اساس تبیین ارتباط متقابل بین این رفتارها و چگونگی ارتباط میان این دو متغیر می‌تواند از اهمیت خاصی برخوردار باشد. از این‌رو در این پژوهش ارتباط متقابل بین گریز مالیاتی و عدم تقارن اطلاعاتی مورد بررسی قرار گرفته است. به همین منظور نمونه‌ای متشکل از ۱۰۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ (۵۲۰ سال شرکتی) انتخاب و با استفاده از الگوی سیستم معادلات همزمان و روش برآورد^۴ 3SLS ارتباط متقابل بین آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. در این پژوهش برای محاسبه گریز مالیاتی از تفاوت بین سود حسابداری و سود مشمول مالیات و همچنین برای محاسبه عدم تقارن اطلاعاتی از دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین گریز مالیاتی و عدم تقارن اطلاعاتی رابطه‌ی متقابل و مثبتی وجود دارد. بنابراین پیشنهاد می‌شود که سرمایه‌گذاران، سیاست‌گذاران مالیاتی و همچنین مدیران واحدهای تجاری و قانون‌گذاران، ارتباط مثبت بین گریز مالیاتی و عدم تقارن اطلاعاتی را در تصمیمات خود لحاظ نمایند. **واژه‌های کلیدی:** گریز مالیاتی، عدم تقارن اطلاعاتی، معادلات همزمان، روش 3SLS

^۱ کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. (نویسنده مسئول)
tahmasebisaeid@ymail.com

^۲ استاد گروه حسابداری، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. emalekian@umz.ac.ir

^۳ کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. b.heydari@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۸

^۴ Three - Stage Least Squares

مقدمه

مالیات هزینه‌ای است که بر تمام واحدهای انتفاعی درآمدزا، از جانب دولت تحمیل می‌شود. چنانچه شرکت‌ها و اشخاص حقوقی به عنوان واحدهایی تلقی شوند که در راستای کسب سود و انتفاع، فعالیت نمایند، می‌توان انتظار داشت که به دنبال راهکارهایی برای کاهش مالیات پرداختی خود به دولت هستند. در ادبیات مالی به تلاش‌ها و راهکارهای شرکت‌ها به منظور کاهش هزینه مالیات نام‌ها یا عناوین متفاوتی از قبیل مدیریت مالیات، گریز از مالیات و رویه مالیاتی جسورانه اطلاق می‌شود. به طور کلی، فعالیت‌های گریز مالیاتی به ابزارهای صرفه‌جویی در مالیات اطلاق می‌شود که منابع را از دولت به سهام‌داران انتقال می‌دهد و بنابراین ارزش شرکت افزایش می‌یابد (پورحیدری، فدوی و امینی‌نیا، ۱۳۹۲). همچنان که با گریز مالیاتی می‌تواند ارزش شرکت افزایش یابد، از سویی دیگر، براساس تئوری نمایندگی و به دلیل وجود تضاد منافع بین مدیران و سهام‌داران - از آنجایی که شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و اعمال استراتژیک در اخذ معافیت‌های مالیاتی است - می‌تواند در فعالیت‌های شرکت ابهام ایجاد کرده و منجر به اعمال عدم شفافیت اطلاعات توسط مدیریت شده و ابهام فضای اطلاعاتی را به همراه داشته باشد (دسای و دارماپالا، ۲۰۰۶). ابهام فضای اطلاعاتی نیز منجر به ایجاد عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود (والاس و ناصر^۱، ۱۹۹۵؛ گلستون و میلگرم^۲، ۱۹۸۵؛ والکر^۳، ۱۹۹۵). به همین دلیل انتظار می‌رود در صورت وجود تضاد نمایندگی، گریز مالیاتی بر محیط اطلاعاتی شرکت تأثیرگذار و عدم تقارن اطلاعاتی بالاتری را به همراه داشته باشد (چن، هانگ و پیرا ۲۰۱۰).

از سوی دیگر با افزایش عدم تقارن اطلاعاتی، احتمال کشف موارد گریز مالیاتی کاهش و از این طریق انگیزه مدیریت برای اقدام گریز مالیاتی افزایش می‌یابد و در نهایت منجر به کاهش درآمدهای مالیاتی دولت می‌شود (چن و لین^۴، ۲۰۱۴). لذا می‌توان انتظار داشت مطابق با مطالب فوق نیز عدم تقارن اطلاعاتی بالا منجر به گریز مالیاتی بیشتر شود به عبارت دیگر فرض بر این است که میزان عدم تقارن اطلاعاتی که از جانب شرکت‌ها اعمال می‌شود منجر به افزایش گریز مالیاتی شود، که این امر مستلزم اعمال معاملات و فعالیت‌های مالی پیچیده است.

با توجه به تئوری‌ها و مطالب مذکور می‌توان احتمال وجود ارتباط دوسویه بین این دو متغیر را پیش‌بینی نمود، هرچند که تحقیقات متنوعی رابطه یک‌سویه بین این دو متغیر را بررسی نموده‌اند. اما

¹ Wallace and nasser

² Gleston and Milgerm

³ Welker

⁴ Chen & Lin

پژوهشی که ارتباط متقابل بین این دو متغیر را به صورت همزمان بررسی نماید چندان مورد توجه قرار نگرفته است، بدین ترتیب بررسی این موضوع در بازار سرمایه ایران ضرورت می‌یابد. لذا این پژوهش درصدد است که به بررسی رابطه‌ی متقابل بین گریز مالیاتی و عدم تقارن اطلاعاتی به صورت همزمان بپردازد. این پژوهش از دو جهت می‌تواند به ادبیات حسابداری و مالی کمک نماید. نخست اینکه از جنبه تئوریکی روابط بین این دو متغیر را مورد بحث قرار می‌دهد و سبب گسترش و توسعه ادبیات مربوط به روابط بین متغیرهای پژوهش شود. دوم اینکه از جنبه عملی نیز کشف روابط بین متغیرهای مذکور در بازار سرمایه ایران می‌تواند برای ذینفعان مفید باشد. بنابراین انتظار می‌رود که نتایج این پژوهش برای سرمایه‌گذاران، مدیران واحدهای تجاری، سیاست‌گذاران مالیاتی، قانون‌گذاران و مقامات دولتی از جهت تبیین روابط بین متغیرها مفید باشد. همچنین در سالهای اخیر، توجه دولت برای تأمین بودجه از طریق وصول درآمد مالیاتی و عدم وابستگی به نفت اهمیت مطالعه در حوزه مالیات را بیشتر می‌کند.

بر این اساس، در ادامه این پژوهش، ابتدا مبانی نظری و پژوهش‌های پیشین مورد بررسی می‌گیرد و پس از طرح فرضیه‌ها، روش پژوهش بیان می‌گردد و در نهایت به تجزیه و تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری پژوهش و ارائه پیشنهادات پرداخته می‌شود.

مبانی نظری و پیشینه

مبانی نظری

گریز مالیاتی

مطالعات در حوزه مالیات در تحقیقات حسابداری سابقه طولانی دارد و سال‌های متمادی است که توجه محققان زیادی را به خود جلب کرده است. در مطالعات اخیر مربوط به بحث‌های مالیاتی، استراتژی‌های مالیاتی که منجر به کاهش مالیات می‌شود بیشتر از مباحث دیگر محققان را به خود جذب کرده است. یکی از این استراتژی‌ها گریز مالیاتی است که براساس آن مدیران واحدهای تجاری با استفاده از راهکارهای قانونی و غیرقانونی در جهت کاهش مالیات پرداختی به مقامات دولتی اقدام نموده و بدین ترتیب از خارج شدن وجه نقد از شرکت جلوگیری کرده و موجب افزایش ارزش شرکت می‌شوند (بالاکریشنان، بلوین و گای، ۲۰۱۲). لازم به ذکر است که گریز مالیاتی شامل فرار مالیاتی (رفتار غیرقانونی) و اجتناب مالیاتی (راهکار قانونی) می‌باشد. دسای و دارماپالا نیز (۲۰۰۹) معتقدند که فعالیت‌های گریز

مالیاتی انتقال ارزش از دولت به سهام‌داران می‌باشد. برخی نیز همانند وانگ^۱ (۲۰۱۱) اعتقاد دارند که گریز مالیاتی نشانگر مجموعه‌ای از راهبردهای مالیاتی است که شامل یک طیف از برنامه‌ریزی مالیاتی شرکت می‌باشد که هم دربرگیرنده فعالیت‌های قانونی و همچنین غیرقانونی و هم شامل معاملات و فعالیت‌هایی است که می‌تواند به‌عنوان سپر مالیاتی قلمداد شوند. به‌طور کلی گریز مالیاتی شامل مجموعه راهکارهایی است که منجر به کاهش مالیات به طرق مختلف می‌شود (طهماسبی خورنه، ۱۳۹۵)

عدم تقارن اطلاعاتی

آکرف (۱۹۷۰) با ارائه نظریه‌ای تحت عنوان بازار «لمون‌ها» یا «جناس بنجل»، توجه صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف اقتصادی را به مسئله عدم تقارن اطلاعات در طرف مشتری و فروشنده و نیز تبعات آن جلب نمود. عدم تقارن اطلاعاتی در نهایت نتیجه‌ای جز ناکارآمد بودن بازارها ندارد. ریشه و پایه نظریه مذکور بر این اصل استوار است که در یک معامله، چنانچه یکی از طرفین از شرایط واقعی کالاهای مورد نظر آگاهی نداشته باشد، طرف دوم می‌تواند سود بیشتری کسب نماید. در چنین شرایطی، گونه‌ای از نبود اطمینان و عدم قطعیت بر فضای معامله حاکم خواهد شد که در نهایت به تضعیف جریان بازار یا به عبارت دیگر شکست بازار می‌انجامد.

ولتون^۲ (۲۰۰۵) در توصیف این شرایط بیان می‌دارد که نقص یا نابرابری اطلاعاتی مدنظر «آکرف»، به «انتخابی ناصحیح» منتهی می‌شود که خود از کارآیی اجتماعی بازار می‌کاهد. بنابراین فارغ از تمام موارد مطرح شده می‌توان بیان نمود که کمبود اطلاعات از جانب حداقل یکی از طرفین معامله شرایطی از عدم اطمینان را در افراد به وجود می‌آورد که در نهایت به بروز برخی ناکارایی‌ها در بازار منتهی می‌گردد، در کل، عدم تقارن اطلاعاتی به حالتی اطلاق می‌شود که یکی از طرفین مبادله‌کننده کمتر از طرف دیگر در مورد کالا یا وضعیت بازار، اطلاعات داشته باشد، به عبارت دیگر توزیع اطلاعات بین کلیه استفاده‌کنندگان از اطلاعات ناهمسان است.

عدم تقارن اطلاعات میان مدیریت و افراد برون‌سازمانی نظیر سرمایه‌گذاران یکی از مسائل بارز در حوزه‌های مختلف از جمله بازار سرمایه است. عدم تقارن اطلاعاتی به بیان ساده حاکی از آن است که همگان به‌طور یکسان به اطلاعات دسترسی ندارند و مدیریت بنا به موقعیت خود دارای اطلاعات

¹ Wang

² Welton

بیشتری نسبت به دیگران می‌باشد. عدم تقارن اطلاعات عامل اصلی در هدایت مدیران به سمت مدیریت سود است (آمبرز و بین^۱، ۲۰۰۹).

رابطه گریز مالیاتی و عدم تقارن اطلاعاتی

بحث گریز مالیاتی و چگونگی مدیریت و برنامه‌ریزی‌های مالیاتی در جهت کاهش بدهی‌های مالیاتی یکی از موضوع‌های مهم برای مدیران مالی شرکت‌ها تلقی می‌گردد. بدیهی است که اگر گریز مالیاتی را دارای مزایای مالیاتی در نظر بگیریم باید برای آن هزینه‌هایی پرداخته شود. به‌طور مثال مدیران واحدهای تجاری که درصدد انجام فعالیت‌های گریز مالیاتی هستند باید متحمل هزینه‌هایی گردند. در ادبیات حسابداری این هزینه‌ها تحت عنوان هزینه ابهام یا عدم تقارن اطلاعاتی مطرح می‌شود. به‌عبارتی مدیران با انجام اقدامات گریز مالیاتی، فضا را برای ایجاد ابهام اطلاعاتی فراهم می‌نمایند (چن، هانگ و پریرا، ۲۰۱۱). از طرفی در ادبیات حسابداری، نظریه‌های متفاوتی در رابطه با این دیدگاه که «گریز مالیاتی منجر به افزایش منافع سهام‌داران می‌شود» وجود دارد. یکی از نظریه‌های کلاسیک در این رابطه بیان می‌دارد: از آنجایی که مدیران با اعمال فعالیت‌های گریز مالیاتی، مالیات پرداختی را کاهش می‌دهند، به افزایش منافع سهام‌داران کمک نموده و این امر افزایش ارزش شرکت را به دنبال دارد. در مقابل با قبول این که شرکت مجموعه‌ای از قراردادهاست انتظار می‌رود که مدیران با انجام فعالیت‌های گریز مالیاتی، یک محیط مبهم اطلاعاتی را ایجاد نماید و دست به صرفه‌جویی‌های مالیاتی و رانت‌های خود زده و به دنبال منفعت طلبی‌های خود باشند (چن، هانگ و پریرا، ۲۰۱۱). به عبارت دیگر گریز مالیاتی پیچیدگی‌های معاملاتی و فعالیت‌های مالی را افزایش داده و مدیران با انجام این اقدام، مقامات مالیاتی را برای کشف پیچیدگی‌ها گمراه نماید و در نهایت این کار باعث ایجاد ابهام محیط اطلاعاتی شرکت‌ها می‌گردد و در نتیجه منجر به عدم تقارن اطلاعاتی شود. اما در سال‌های اخیر بر خلاف دیدگاه اول که بر مبنای تئوری نمایندگی بیان شد نتایج برخی از پژوهش‌ها عکس این قضیه را نشان داده است. چن، هانگ و پریرا (۲۰۰۹) در پژوهش خود به این موضوع اشاره داشته‌اند، این امکان وجود دارد واحدهای تجاری که گریز مالیاتی بیشتری دارند، افشای اطلاعات را برای از بین بردن ابهام اطلاعاتی افزایش دهند. بر اساس مباحث فوق انتظار می‌رود گریز مالیاتی منجر تاثیر روی عدم تقارن اطلاعاتی گردد (چن، هانگ و پریرا، ۲۰۰۹).

¹ Bian & Eambros

از سوی دیگر مدیران واحدهای تجاری در فضایی که اطلاعات آن‌ها بیشتر از اطلاعات ذینفعان خارجی است - به اصطلاح عدم تقارن اطلاعاتی بیشتر است - زمینه را برای انجام فرآیندهای گریز مالیاتی مناسب‌تر دانسته و به‌طور افزاینده‌ای به این کار ترغیب می‌گردند (چن و لین، ۲۰۱۴). به عبارت دیگر عدم تقارن اطلاعاتی بالا، رفتار مدیریت واحد تجاری را از دید مالکان برون‌سازمانی پنهان نموده تا مدیریت بتواند در سایه فعالیت‌های گریز مالیاتی منافع شخصی خود را در پیش گیرد. همچنین به علت اینکه برنامه‌های گریز مالیاتی پیچیده است اگر رویدادها و مبادلات شرکت به صورت دقیق‌تر و به موقع‌تر به اطلاع سهام‌داران برسد دغدغه آن‌ها از هزینه‌های پنهان مرتبط با فعالیت‌های گریز مالیاتی اعم از مستقیم و غیر مستقیم کاهش می‌یابد و استقبال آنان از این عملکرد با علم به اینکه فعالیت‌های گریز مالیاتی افزایش دهنده ارزش است، کاهش می‌دهد (گوپتا^۱، ۱۹۹۷). براساس مطالب فوق نیز انتظار می‌رود که عدم تقارن اطلاعاتی نیز بر گریز مالیاتی اثر بگذارد.

با توجه به مبانی نظری فوق و وجود پژوهش‌های اندک درباره رابطه یک‌طرفه این دو متغیر، این پژوهش درصدد است تا به بررسی رابطه متقابل بین گریز مالیاتی و عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بپردازد. انتظار بر این است که این پژوهش بتواند به ادبیات گریز مالیاتی از جهت توسعه تئوری‌ها و روش‌های پژوهش کمک نماید. لذا مرور پژوهش‌های انجام شده و بازنگری روش‌های به کار گرفته در این پژوهش‌ها می‌تواند مفید باشد.

پیشینه پژوهش

علی‌رغم وجود پژوهش‌های گسترده در خارج کشور، در ایران پژوهش‌های اندکی درباره ارتباط بین گریز مالیاتی و عدم تقارن اطلاعاتی انجام شده است. بخصوص ارتباط متقابل این دو متغیر، چندان مورد بررسی قرار نگرفته است. بر همین مبنا در ادامه تعداد محدودی از پژوهش‌های مرتبط مورد بررسی قرار می‌گیرد.

چن و همکاران (۲۰۱۸) به بررسی اینکه «آیا تغییر درآمد شرکت با انگیزه مالیاتی توسط شرکت‌های چند ملیتی ایالات متحده بر عدم تقارن اطلاعات تأثیر می‌گذارد» با استفاده از روش حداقل مربعات دو مرحله‌ای پرداختند نتایج حاصله بیانگر این بود که تغییر درآمد با عدم تقارن اطلاعات همراه است. آزمون‌های مقطعی پژوهش آنان نشان داد که این اثر برای بنگاه‌هایی که تفاوت‌های زیادی بین رشد درآمد خارجی و داخلی دارند، برجسته‌تر است.

¹ Gupta

چن و لین^۱ (۲۰۱۷) به بررسی تأثیر عدم تقارن اطلاعات بر روی گریز مالیاتی پرداختند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که تقارن فضای اطلاعاتی منجر به کاهش رویه‌های جسورانه مالیاتی می‌گردد. آن‌ها همچنین به این موضوع اشاره داشتند که این تأثیر عمدتاً توسط شرکت‌هایی با ظرفیت برنامه‌ریزی مالیاتی موجود شدیدتر است. همچنین اذعان داشتند این تأثیر در صنایعی که شهرت بیشتر و در شرکت‌هایی که تحت نظارت کمتری از طرف سازمان امور مالیاتی قرار دارند، مشهودتر است.

چن و لین به بررسی تأثیر عدم تقارن اطلاعاتی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های هنگ کنگی پرداختند. آن‌ها ۱۴۱۵ سال شرکتی را طی دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های آنان نشان داد که عدم تقارن اطلاعاتی تأثیر مثبتی بر اجتناب مالیاتی دارد. به عبارتی دیگر مدیران واحدهای تجاری در فضایی که اطلاعات به‌طور نامتوازن بین ذینفعان توزیع شده است، به اعمال فرآیندهای اجتناب مالیاتی بیشتر ترغیب می‌شوند.

بالاکریشنان، بلوین و گای^۲ (۲۰۱۲) به این موضوع پرداختند که آیا رویه‌های جسورانه مالیاتی، شفافیت شرکت را کاهش می‌دهد یا خیر. آنان از معیار عدم تقارن اطلاعاتی، کیفیت سود و خطای پیش‌بینی تحلیل‌گران به عنوان معیار شفافیت شرکت استفاده نمودند. نتایج تحقیق نشان داد که استراتژی جسورانه مالیاتی شفافیت شرکت را کاهش می‌دهد. همچنین مدیران در شرکت‌های با رویه‌های جسورانه مالیاتی تلاش می‌کنند مسأله شفافیت را با افزایش دادن سطح افشای مالیاتی کاهش دهند.

چن، هانگ و پریرا^۳ (۲۰۱۱) به مطالعه رابطه بین گریز مالیاتی و شفافیت گزارشگری شرکت بر مبنای تئوری نمایندگی پرداختند. این محققان از دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش به عنوان معیار شفافیت شرکت و تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات به عنوان معیار گریز مالیاتی استفاده کردند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که هرچه میزان گریز مالیاتی بیشتر باشد، میزان ابهام در آن شرکت بیشتر بوده و از شفافیت کمتری برخوردارند.

فخاری و طهماسبی خورنه (۱۳۹۵) به بررسی رابطه‌ی متقابل اجتناب مالیاتی و کیفیت افشای اطلاعات شرکت‌ها با استفاده از معادلات همزمان (SLS) پرداختند. آن‌ها برای این منظور، تعداد ۱۰۴ نمونه از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار را طی دوره ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ (۵۲۰ سال شرکتی) انتخاب کرده و با استفاده از روش سیستم معادلات همزمان ارتباط متقابل بین آن‌ها را مورد بررسی

¹ Chen & Lin

² Balakrishnan, et al.

³ Chen, Hung & Periera

قرار دادند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان داد که بین اجتناب مالیاتی و کیفیت افشا رابطه متقابل و منفی‌ای وجود دارد.

پورزمانی و جوشن (۱۳۹۵) به بررسی تأثیر عدم تقارن اطلاعاتی بر استراتژی‌های مختلف گریز مالیاتی پرداختند. آن‌ها برای بررسی این موضوع ۱۲۰ سال شرکت را در طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ بررسی نمودند. آن‌ها برای کمی کردن عدم تقارن اطلاعاتی از لگاریتم حجم معاملات و همچنین برای کمی کردن گریز مالیاتی از نرخ مؤثر مالیاتی استفاده کردند. نتایج پژوهشی آنان بیانگر تأثیر منفی عدم تقارن اطلاعاتی بر گریز مالیاتی بود که برخلاف نتیجه پژوهش حاضر و استدلال‌های این تحقیق بوده که فاقد استدلال محکم می‌باشد

مرور پژوهش‌های فوق نشان می‌دهد پژوهشی که تاکنون ارتباط متقابل بین گریز مالیاتی و عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار را انجام دهد وجود ندارد. بر این اساس این پژوهش در صدد است که به بررسی رابطه متقابل گریز مالیاتی و عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌های بورسی براساس تئوری نمایندگی بپردازد. انتظار می‌رود پژوهش حاضر بتواند علاوه بر آزمون تئوری نمایندگی برای توجیه ارتباط متقابل گریز مالیاتی و عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه ایران به ادبیات گریز مالیاتی از جهت توسعه متدولوژی بررسی کمک نماید.

فرضیه‌های پژوهش

مطابق با تئوری نمایندگی انتظار می‌رود که گریز مالیاتی بر عدم تقارن اطلاعاتی اثر بگذارد و همچنین از آنجایی که توزیع ناهمسان اطلاعات بین ذینفعان، فضا را برای اعمال رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت فراهم می‌کند، می‌توان انتظار داشت که عدم تقارن اطلاعاتی نیز بر گریز مالیاتی اثر بگذارد. بنابراین فرضیه پژوهش به صورت زیر مطرح می‌شود:

فرضیه کلی پژوهش: بین گریز مالیاتی و عدم تقارن اطلاعات ارتباط متقابل مثبت و معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

جامعه آماری پژوهش، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (هم بورس و هم فرابورس) برای دوره زمانی ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ می‌باشد که برای انتخاب نمونه پژوهش از روش غربالگری استفاده شده است. برای این منظور، شرکت‌هایی که کلیه شرایط زیر را به صورت همزمان داشته باشند جزو نمونه پژوهش قرار گرفته‌اند:

به دلیل اینکه ارقام مالی و حسابداری مربوط به برخی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مانند بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، هلدینگ‌ها، لیزینگ‌ها) ممکن است شامل ارقام سایر شرکت‌ها نیز باشد، این شرکت‌ها از جامعه آماری حذف گردیده‌اند. دلیل این امر، تفاوت در ماهیت فعالیت و اینکه پرتفوی دارایی‌های این گونه شرکت‌ها از سهام سایر شرکت‌های فعال در بازار بورس تشکیل شده، می‌باشد. به جهت قابل مقایسه بودن و همچنین همگنی و تعمیم نتایج، سال مالی منتهی به پایان اسفند ماه باشد.

- شرکت‌ها در پایان سال مالی سودآور باشند. با توجه به معیار گریز از پرداخت مالیات که از تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات به دست می‌آید شرکت‌هایی انتخاب شدند که سودآور بودند. پس از اعمال محدودیتهای فوق، ۱۰۴ شرکت برای بررسی و آزمون فرضیه‌های پژوهش انتخاب گردیدند. اطلاعات و داده‌های خام مورد نیاز شرکت‌ها به منظور بررسی فرضیه‌های پژوهش از طریق نرم‌افزار تدبیرپرداز و وب سایت سیستم جامع اطلاع رسانی ناشران (شبکه کدال) جمع‌آوری شده است. همچنین برای برآورد آمار توصیفی و تجزیه و تحلیل و استنباط آماری، از نرم‌افزار ایویوز^۱ استفاده شد. برای آزمون فرضیه‌ها از مدل معادلات همزمان استفاده شده است. در این مدل یکی از فرضیه‌های اصلی مدل‌های سستی که به تصادفی یا برون‌زا بودن متغیر توضیحی مربوط است، نقض می‌شود. در واقع یک متغیر درون‌زا تابعی از متغیر درون‌زای دیگر می‌شود که خود متغیر به معرفی معادله دیگری نیاز دارد.

بدین ترتیب به جای یک معادله، چند معادله (سیستم معادلات) وجود دارد که این وضعیت، موجب نقض فروض روش حداقل مربعات معمولی (OLS) می‌شود. سیستم معادلات همزمان وقتی مورد استفاده قرار می‌گیرد که چند متغیر وابسته وجود دارد که بین آنها وابستگی متقابل برقرار است. بنابراین بایستی چند معادله یا یک سیستم معادلات برای آنها تعریف می‌شود. اگر رابطه بین Y_1 و Y_2 به صورت زیر باشد:

$$\begin{aligned} Y_{1t} &= \alpha_1 + \beta_1 X_t + \gamma_1 Y_{2t} + u_{1t} \\ Y_{2t} &= \alpha_2 + \beta_2 X_t + \gamma_2 Y_{1t} + u_{2t} \end{aligned}$$

¹ Eviews

در اینجا، دو معادله همراه با دو متغیر وابسته (Y_1 و Y_2) و یک متغیر توضیحی (X) وجود دارد، رابطه Y_1 و Y_2 دو طرفه است. ویژگی مهم معادلات فوق آن است که Y_1 و Y_2 علاوه بر این که متغیر وابسته هستند به عنوان متغیر توضیحی نیز ظاهر شده‌اند. این بدان معناست که Y_1 و Y_2 به ترتیب تابعی از u_1 و u_2 هستند، متغیرهای تصادفی بوده که در نقش متغیر توضیحی ظاهر شده‌اند. از طرف دیگر در معادله اول Y_2 تابعی از u_2 است. در سیستم معادلات همزمان اگر از سیستم استفاده نشود فرض غیرتصادفی بودن X_1 ها نقض می‌شود. طبق معادله دوم Y_2 تابعی از Y_1 است که Y_1 نیز به نوبه خود طبق معادله اول تابعی از u_1 است. لذا اگر u_1 از طریق Y_1 موجب تغییر Y_2 خواهد شد. به این ترتیب تخمین‌زننده‌های OLS بدون تورش نخواهد بود. در معادله فوق Y_1 و Y_2 متغیرهای درون‌زا هستند، همچنین X در معادله بالا متغیرهای برون‌زا می‌باشد. با توجه به اینکه استفاده از روش OLS در الگوی معادلات همزمان منجر به برآوردهای با تورش و ناسازگار خواهد بود، به همین دلیل از روش‌های برآورد کمترین مجذورات سه مرحله‌ای (3SLS) و برآورد کمترین مجذورات دو مرحله‌ای (2SLS) استفاده می‌شود. روش (3SLS) نسبت به (2SLS) بهتر است زیرا روش برآورد کمترین مجذورات سه مرحله‌ای (3SLS) روشی است که معادلات ساختاری یک الگوی همزمان را به صورت همزمان و یک جا در نظر گرفته و برآورد می‌نماید. دو مرحله اول این روش همانند روش برآورد کمترین مجذورات دو مرحله‌ای 2SLS می‌باشد و در مرحله سوم ماتریس وارینانس کواریانس جملات خطا نیز در محاسبه دخالت داده می‌شود.

در کاربرد سیستم معادلات همزمان، وجود دو شرط قابلیت تشخیص که شامل شرط درجه‌ای و رتبه‌ای می‌باشد ضروری است. قابلیت تشخیص یک معادله به این معناست که آیا امکان محاسبه ضرایب فرم ساختاری با استفاده از ضرایب فرم خلاصه شده، وجود دارد یا خیر. در صورت وجود این امکان گفته می‌شود که یک معادله در یک سیستم معادلات همزمان مشخص است، در غیر این صورت معادله فوق غیر مشخص یا کمتر از حد مشخص خواهد بود. اگر معادله کمتر از حد مشخص باشد امکان برآورد ضرایب ساختاری وجود ندارد. یک معادله مشخص نیز دقیقاً مشخص یا بیش از حد مشخص خواهد بود. اگر معادله دقیقاً مشخص باشد در این صورت امکان برآورد ضرایب ساختاری وجود دارد و جواب منحصر به فردی برای آنها وجود خواهد داشت، اما اگر معادله بیش از حد مشخص باشد امکان برآورد ضرایب ساختاری وجود دارد ولی بیش از یک جواب برای آنها بدست می‌آید. به عبارت دیگر:

۱- اگر $K - k < m - 1$ باشد، معادله کمتر از حد مشخص خواهد بود.

- ۲- اگر $K - k = m - 1$ معادله دقیقاً مشخص خواهد بود.
 ۳- اگر $K - k > m - 1$ باشد، معادله بیش از حد مشخص خواهد بود.
 که:

K : تعداد کل متغیرهای برون‌زا مدل؛

m : تعداد متغیرهای درون‌زا معرفی شده در معادله؛

k : تعداد متغیرهای برون‌زا معرفی شده در هر معادله؛

همچنین شرط رتبه‌ای نیز در صورتی تأمین می‌شود که هیچ ترکیب خطی بین ضرایب متغیرهای خارج از معادله مورد نظر وجود نداشته باشد. به همین منظور لازم است که ماتریس ضرایب متغیرهای خارج از معادله مورد نظر تشکیل و دترمینان آن بررسی شود. برای تأمین شرط رتبه‌ای لازم است که قدر مطلق دترمینان این ماتریس مخالف صفر باشد.

مدل‌های پژوهش

برای آزمون فرضیه اول از مدل (۱) استفاده شده است.

$$\text{infAsy}_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{Tax Avoid}_{i,t} + \alpha_3 \text{Size}_{i,t} + \alpha_4 \text{Lev}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (1)$$

ضریب α_1 که ضریب تأثیر گریز مالیاتی را بر عدم تقارن اطلاعاتی را نشان می‌دهد. همچنین برای آزمون فرضیه دوم از مدل (۲) گرفته شده است.

$$\text{Tax Avoed}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{infAsy}_{i,t} + \beta_3 \text{Size}_{i,t} + \beta_4 \text{Lev} + \varepsilon_{i,t} \quad (1)$$

ضریب β_1 نیز ضریب تأثیر عدم تقارن اطلاعاتی را بر گریز مالیاتی نشان می‌دهد.

متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه‌گیری آنها

در این پژوهش از روش حداقل مربعات سه مرحله‌ای به‌طور همزمان (3SLS) برای سنجش روابط متقابل بین دو دسته از متغیرها شامل متغیرهای درون‌زا و برون‌زا و ابزاری استفاده شده است. به عبارتی متغیرهایی که هر دو نقش وابسته و مستقل رو ایفا می‌کنند درون‌زا و کنترلی‌ها برون‌زا هستند.

متغیرهای درون‌زا

گریز مالیاتی (Tax Avoid) که به صورت کاهش آشکار در پرداخت مالیات‌ها تعریف می‌شود. در این پژوهش به پیروی از کار پلسکو (۲۰۰۴) و دسای (۲۰۰۶) و دارماپالا (۲۰۰۹) از تفاوت بین سود حسابداری و سود مشمول مالیات استفاده می‌گردد و به منظور از بین بردن اثر مقیاس، بر دارایی‌های اول دوره تقسیم گردیده است که از طریق رابطه (۳) به‌دست می‌آید:

$$\text{Tax Avoid}_{I,t} = |(\text{Accinc}_{I,t} - \text{Taxinc}_{I,t}) / \text{Ass}_{I,t-1}| \quad (۳)$$

Tax Avoid: تفاوت بین سود حسابداری و سود مشمول مالیات شرکت i در سال t

Accinc: سود حسابداری شرکت i در سال t

Taxinc: سود مشمول مالیات شرکت i در سال t

Ass: کل دارایی‌های شرکت i در سال $t-1$

عدم تقارن اطلاعاتی (InfAsy): برای محاسبه آن از مدل ارائه شده توسط وینکناش و چیانگ (۱۹۸۶) استفاده شده است. با استفاده از این مدل می‌توان دامنه قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام را تعیین نمود. این مدل به‌شرح زیر است:

$$\text{InfAsy}_{I,t} = \frac{(\text{AP} - \text{BP})}{(\text{AP} + \text{BP})/2} \quad (۴)$$

InfAsy: دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام شرکت i در دوره t

AP: میانگین بهترین قیمت پیشنهادی فروش سهام شرکت i در دوره t

BP: میانگین بهترین قیمت پیشنهادی خرید سهام شرکت i در دوره t

روند محاسبه دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام، بدین‌صورت است که ابتدا داده‌های روزانه مربوط به قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام برای هر یک از شرکت‌های نمونه، در طول سال استخراج و سپس برای روزهایی از سال که معیارهای زیر صادق باشند «بهترین قیمت پیشنهادی خرید»، به‌عنوان «بهترین قیمت پیشنهادی خرید سهام» آن روز و «کمترین قیمت پیشنهادی فروش» به‌عنوان «بهترین قیمت پیشنهادی فروش» تعیین گردیده است.

متغیرهای برون‌زا

در این پژوهش، متغیر اندازه شرکت (size) به عنوان یکی از متغیر برون‌زا در نظر گرفته شده است و از لگاریتم طبیعی دارائی‌ها به عنوان معیاری برای کمی کردن آن بهره گرفته شده است. همچنین اهرم مالی (Lev) نیز متغیر برون‌زا دیگر این پژوهش است و با تقسیم جمع بدهی‌ها بر جمع دارائی‌های شرکت محاسبه می‌شود. بازدهی حقوق صاحبان سهام (Roa) نیز از دیگر متغیرهاست که از تقسیم سود خالص بر میانگین حقوق صاحبان سهام محاسبه گردیده است. دلیل انتخاب این متغیرها، بررسی پژوهش‌های پیشین بود که در آن به عنوان متغیر کنترلی مؤثر بر متغیرهای درون‌زای این مطالعه ملاحظه گردیده است.

بررسی شرط درجه‌ای معادله همزمان

نگاره شماره (۱) در مورد شرط درجه‌ای نشان می‌دهد که معادله همزمان این پژوهش از نوع دقیقاً مشخص می‌باشد.

نگاره شماره ۱: بررسی شرایط تشخیص شرط درجه‌ای سیستم معادلات همزمان

مدل	K	m	k	K - k	m-1	تشخیص
۱	۲	۲	۱	۱	۱	$K - k = m - 1$ است، بنابراین رابطه دقیقاً مشخص خواهد بود
۲	۲	۲	۱	۱	۱	$K - k = m - 1$ است، بنابراین رابطه دقیقاً مشخص خواهد بود

تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

آمار توصیفی

همان گونه که از نگاره شماره (۲) مشخص است میانگین گریز مالیاتی عددی کوچکی است که بیانگر این است که شاید در شرکت‌های بورسی میزان گریز مالیاتی کم است. همچنین مقدار صفر گریز مالیاتی نشان‌دهنده شرکت‌هایی از نمونه است که بین سود حسابداری و سود مشمول مالیاتی آن‌ها تفاوتی وجود نداشته است. همچنین کمترین و بیشترین انحراف معیار به ترتیب مربوط به عدم تقارن اطلاعاتی و اندازه شرکتی می‌باشد.

نگاره شماره ۲: آمار توصیفی متغیرها

نام متغیر	میانگین	میان	بیشترین	کمترین	انحراف معیار
Tax Avoid	۰/۰۸۲۸	۰/۰۴۳۷	۰/۷۷۵۶۸	-۰/۰۷۳۳	۰/۱۲۰۷
InfAsy	۰/۰۲۲۵	۰/۰۲۲۷	۰/۰۶۱۸	۰/۰۰۳۶	۰/۰۰۹۶
Size	۶/۱۱۷۲۷۳	۶/۰۲۳۴۰۸	۸/۲۵۵۶۶۸	۴/۹۱۳۷۶۶	۰/۶۴۳۷۳۹
Roa	۰/۳۵۷۲	۰/۳۳۲۶	۲/۸۱۳۹	۰/۰۰۰۵	۰/۲۰۹۱
Lev	۰/۵۶۷۹۹۲	۰/۵۸۴۸۰۳	۰/۹۷۴۵۷۳	۰/۰۸۹۱۱	۰/۱۸۴۳۷۳

همبستگی بین متغیرها

مطالعه همبستگی، ابزاری آماری است که بوسیله آن می‌توان درجه‌ای را که یک متغیر با متغیر دیگر از نظر خطی مرتبط می‌شود، اندازه‌گیری نمود. در یک مدل رگرسیون چنانچه همبستگی بین متغیرهای مستقل و کنترلی (در این پژوهش، اندازه و اهرم مالی متغیر کنترلی محسوب می‌شوند) زیاد باشد، ممکن است منجر به مخدوش شدن نتایج شود. منظور از همبستگی بالا، همبستگی شدید یعنی بیش از ۵۰ درصد می‌باشد. همانگونه که در نگاره شماره (۳) مشاهده می‌شود بین متغیرهای مستقل و کنترلی همبستگی بیشتر از ۵۰ درصد وجود ندارد بنابراین مشکل همبستگی وجود ندارد (فخاری و طهماسبی خورنه، ۱۳۹۵).

نگاره شماره ۳: همبستگی بین متغیرها

متغیر	Tax Avoid	Roa	Size	Lev
Tax Avoid	۱	-	-	-
InfAsy	۰/۱۳۵۸	۱	-	-
Roa	۰/۳۳۱۲	۰/۱۵۳۱	-	-
Size	۰/۱۹۱۱	۰/۴۳۱۲	۱	-
Lev	-۰/۴۶۰۲	-۰/۰۹۹۰	-۰/۰۶۷۴	۱

آمار استنباطی

آزمون علیت گرنجر

گرنجر (۱۹۶۹) با ارائه مدل زیر برای بررسی علیت بین دو متغیر بیان کرد:

$$y_t = \sum_{i=1}^n a_i y_{t-1} + \sum_{i=1}^n \beta_i x_{t-1}$$

$$x_t = \sum_{i=1}^n c_i x_{t-1} + \sum_{i=1}^n d_i y_{t-1}$$

حال پس از برآورد مدل فوق، اگر ضریب از نظر آماری معنادار باشد، گفته می‌شود که متغیر X_t علیت گرنجری متغیر دوم است و اگر ضرایب نیز به لحاظ آماری معنادار باشد، متغیر دوم نیز علیت گرنجر متغیر اول است. اگر فقط یکی از ضرایب معنادار باشد، رابطه علیت بین دو متغیر یک‌سویه و اگر هر دو معنادار باشند، رابطه علیت دوسویه است و معنای وجود یک رابطه بازخوردی بین دو متغیر را می‌دهد. نتایج آزمون علیت گرنجری با استفاده از داده‌های گریز مالیاتی و عدم تقارن اطلاعاتی در جدول ذیل به دست آمده، نتیجه بیانگر این است که فرضیه صفر رد شده و بنابراین یک رابطه علی دوسویه بین دو متغیر برقرار است. لذا بهتر است که در بررسی رابطه بین این دو متغیر از سیستم معادلات همزمان استفاده شود.

نگاره شماره ۴: آزمون علیت گرنجری

فرضیه صفر	آماره F	P-VALUE
گریز مالیاتی علیت گرنجری عدم تقارن اطلاعاتی نیست.	۲۵۴۴/۶۳	۰/۰۰۱۲
عدم تقارن اطلاعاتی علیت گرنجری گریز مالیاتی نیست.	۱۸۳۰/۸۲	۰/۰۱۴۳

آزمون بررسی فرضیه

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از سیستم معادلات همزمان استفاده شده است، یعنی رابطه بین گریز مالیاتی و عدم تقارن اطلاعاتی به صورت متقابل مورد تحلیل قرار گرفته شده است. که نتایج به دست آمده از حل معادلات همزمان درخصوص رابطه متقابل گریز مالیاتی و عدم تقارن اطلاعاتی در نگاره شماره‌های (۵) و (۶) منعکس شده است.

همان‌طور که در نگاره شماره‌های (۵) و (۶) مشاهده می‌شود بین گریز مالیاتی و عدم تقارن اطلاعاتی رابطه متقابل مثبت و معناداری در سطح ۹۰ درصد وجود دارد. ضریب گریز مالیاتی در معادله اول ۰/۰۹۴۱ است که نشان می‌دهد که با افزایش گریز مالیاتی، عدم تقارن اطلاعاتی واحدهای تجاری نیز افزایش می‌یابد. همچنین نتایج نگاره شماره (۵) نشان می‌دهد که اندازه شرکت

بر عدم تقارن اطلاعاتی سهام تأثیر مثبت و معناداری با ضریب $0/11$ دارد. یعنی با بزرگ شدن شرکت‌ها عدم تقارن اطلاعاتی نیز افزایش می‌یابد. اما تأثیر اهرم مالی بر عدم تقارن اطلاعاتی، معنادار نمی‌باشد. همچنین نتایج مندرج در نگاره شماره (۶) نمایانگر تأثیر مثبت و معنادار عدم تقارن اطلاعاتی بر گریز مالیاتی است. یعنی با افزایش عدم تقارن اطلاعاتی واحدهای تجاری، گریز مالیاتی نیز افزایش می‌یابد. ضریب تأثیر آن $0/0875$ است. همچنین نتایج بیانگر تأثیر مثبت و معنادار بازدهی حقوق صاحبان سهام با ضریب تأثیر $0/2455$ بر گریز مالیاتی است. یعنی با افزایش سودآوری شرکت‌ها، به تناسب گریز مالیاتی نیز بیشتر می‌گردد. تأثیر اهرم مالی نیز بر گریز مالیاتی منفی و معنادار مشاهده گردیده است. به عبارتی با افزایش یک واحدی در اهرم مالی، گریز مالیاتی به میزان $0/89$ کاهش می‌یابد. همچنین آماره دوربین واتسون معادله اول $2/08$ و معادله دوم $2/28$ است که از آنجایی که بین $1/5$ تا $2/5$ است نشان‌دهنده عدم وجود مشکل خودهمبستگی بوده و قابل قبول می‌باشند (فخاری و طهماسبی خورنه، ۱۳۹۵) همچنین از آنجایی که مقدار vif متغیرها در هر دو معادله کمتر از 10 است، بیانگر این موضوع است که بین متغیرهای مشکل هم خطی وجود ندارد.

نگاره شماره ۵: برآورد معادله عدم تقارن اطلاعاتی

متغیر وابسته: عدم تقارن اطلاعاتی					
متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	معنی داری	VIF
C	$-0/4952$	$0/4018$	$-0/1232$	$0/9020$	-
**Tax Avoid	$0/0941$	$0/0517$	$1/8188$	$0/0693$	$1/1904$
**Size	$0/1121$	$0/0648$	$1/7837$	$0/0748$	$1/0707$
Lev	$-0/4916$	$0/1878$	$-0/2617$	$0/7936$	$1/1173$
D.W	$2/0849$		ضریب تعیین		$0/27$

* معناداری در سطح ۹۹ درصد، ** معناداری در سطح ۹۰ درصد

نگاره شماره ۶: برآورد معادله گریز مالیاتی

متغیر وابسته: گریز مالیاتی					
متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	معنی داری	VIF
C	$-0/5706$	$0/3582$	$-0/5930$	$0/1115$	-
**Tax Avoid	$0/0875$	$0/0462$	$0/8905$	$0/0590$	$1/1215$
**Size	$0/2455$	$0/0556$	$4/4161$	$0/0000$	$1/1153$
Lev	$-0/8936$	$0/1676$	$-5/3312$	$0/0000$	$1/0118$
D.W	$2/3825$		ضریب تعیین		$0/36$

* معناداری در سطح ۹۹ درصد، ** معناداری در سطح ۹۰ درصد

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از آزمون فرضیات که با استفاده از برآورد سیستم معادلات همزمان به روش 3SLS صورت گرفت، نمایانگر این موضوع است که بین گریز مالیاتی و عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس رابطه مثبت و معنادار متقابلی وجود دارد. این نتایج می‌تواند بیانگر این مسئله باشد که در شرکت‌های ایرانی با افزایش گریز مالیاتی، عدم تقارن اطلاعاتی افزایش می‌یابد و همچنین با افزایش عدم تقارن اطلاعاتی نیز گریز مالیاتی افزایش می‌یابد.

نتایج حاصل از بررسی تجربی فرضیه نخست می‌تواند ناشی این موضوع باشد که مدیران شرکت‌هایی که دست به فعالیت‌های گریز مالیاتی می‌زنند با انجام فرآیندهای پیچیده و پنهان‌کاری به ایجاد یک شکاف اطلاعاتی بین ذینفعان کمک نموده و بدین ترتیب عدم تقارن اطلاعاتی افزایش می‌یابد. توجیه این موضوع بر اساس تئوری نمایندگی و وجود فرض تضاد منافع نیز قابل‌درک‌تر است. به عبارتی مدیران با توجه به تضاد منافی که با مالکان دارند دست به فعالیت‌های منفعت طلبانه (گریز مالیاتی) زده و سعی دارند این اتفاق را با ایجاد شکاف اطلاعاتی (عدم تقارن اطلاعاتی) بین خود و افراد برون‌سازمانی پنهان سازند.

درخصوص نتایج حاصل از بررسی تجربی فرضیه دوم نیز می‌توان استدلال نمود که عدم تقارن اطلاعاتی ایجادشده (خاکستری شدن فضای و شکاف اطلاعاتی بین کاربران درون و برون‌سازمانی) می‌تواند زمینه را برای فعالیت‌های گریز مالیاتی مدیران - که به‌نوعی فعالیت منفعت طلبانه آنان تلقی می‌شود - فراهم نماید و بدین ترتیب مدیران به این امر بیشتر ترغیب شوند.

یافته‌های این پژوهش با یافته‌های چن و لی (۲۰۱۴) و بالاکریشنان و همکاران^۱ (۲۰۱۲)، چن، هانگ و پریرا (۲۰۱۱) و پورحیدری، فدوی و امینی نیا (۱۳۹۲) که به‌صورت یک‌طرفه موضوع این پژوهش را بررسی نموده‌اند، تطابق دارد. اما با پژوهش پور زمانی و جوشن (۱۳۹۵) مطابقت ندارد. احتمال می‌رود که تفاوت یافته‌ها به تفاوت در روش تجزیه و تحلیل داده‌ها مربوط باشد چراکه هریک از مطالعات قبلی تنها به‌صورت یک‌طرفه به ارتباط بین متغیرها پرداخته بودند درحالی‌که از نظر مفهومی ارتباط متقابلی بین این دو متغیر موجود می‌باشد و وجود ارتباط مثبت متقابل بین متغیرها مطابق با تئوری نمایندگی از استدلال تئوریکی بیشتری برخوردار است.

¹ Balakrishnan, et al.

پیشنهادهای

با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان پیشنهادهای زیر را برای ذینفعان مطرح کرد: به سرمایه‌گذاران توصیه می‌شود تا در خرید خود به میزان عدم تقارن اطلاعاتی شرکتی توجه کنند چون عدم تقارن اطلاعاتی بالا می‌تواند با گریز مالیاتی همراه بوده که در نهایت بر ارزش آینده شرکت اثر خواهد گذاشت.

همچنین به سیاست‌گذاران مالیاتی و همچنین مدیران واحدهای تجاری توصیه می‌گردد که به گریز مالیاتی که سهم زیادی در افزایش عدم تقارن اطلاعاتی دارد، توجه ویژه داشته باشند. می‌توان به محققان پیشنهاد کرد که در پژوهش‌های آتی خود از سایر معیارها برای کمی کردن متغیرهای این مطالعه به منظور بررسی این موضوع استفاده نمایند. همچنین می‌توان پیشنهاد داشت که رابطه متقابل بین گریز مالیاتی و مدیریت سود یا گریز مالیاتی و نوسان‌پذیری بازده سهام مورد بحث قرار دهند.

منابع و مأخذ

- 1- Akerlof, G., Spence, M., & Stiglitz, J. (2001). Markets with Asymmetric information. Committee, Nobel Prize.
- 2- Ambrose, B., & Bian, X. (2010). Stock market information and REIT earnings management. *Journal of Real Estate Research*.
- 3- Balakrishnan, K., Blouin, J. L., & Guay, W. R. (2012). Does Tax Aggressiveness Reduce Corporate Transparency?. Available at SSRN 1792783.
- 4- Chen, C. W., Hepfer, B. F., Quinn, P. J., & Wilson, R. J. (2018). The effect of tax-motivated income shifting on information asymmetry. *Review of Accounting Studies*, 23(3), 958-1004.
- 5- Chen, T., & Lin, C. (2014, July). Does Information Asymmetry Affect Corporate Tax Aggressiveness?. *In The Ninth Annual Conference on Asian-Pacific Financial Markets (CAFM)*.
- 6- Chen, T., & Lin, C. (2017). Does information asymmetry affect corporate tax aggressiveness?. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 52(5), 2053-2081.
- 7- Chen, Y., Huang, S., Pereira, R., & Wang, J. (2011). Corporate tax avoidance and firm opacity. *Unpublished Working Paper University of Missouri*.
- 8- Desai, M. A., & Dharmapala, D. (2006). Corporate tax avoidance and high-powered incentives. *Journal of Financial Economics*, 79(1), 145-179.
- 9- Desai, M. A., & Dharmapala, D. (2009). Earnings management, corporate tax shelters, and book-tax alignment. *National Tax Journal*, 169-186.
- 10- Fakhari, Hossein and Tahmasebi Kurneh, Saeed (2016), "Investigating the Relationship between Tax Avoidance and the Quality of Corporate Information Disclosure Using Simultaneous Equation System (SLS3)", Tax Research Bulletin, Year 24, No. 32, pp. 101- 119.
- 11- Fakhari, Hossein, and Rajabbeigi, Mohammad Ali (2015), Study of the Relationship between Free Cash Flow, Profit and Debt Sharing Policy in Companies Listed in Tehran Stock Exchange, Financial Accounting Research No. 7, No. 92, pp. 92-73. In this case, we have the following:

- 12- Gujarati, Edmur (2004), Foundations of Econometrics, translated by Dr. Hamid Abrishami, Volume I and II, Tehran, Tehran University Press
- 13- Gupta, A., & Rosenthal, L. (1991). Ownership structure, leverage, and firm value: The case of leveraged recapitalizations. *Financial Management*, 69-83.
- 14- Hanlon, M., & Heitzman, S. (2010). A review of tax research. *Journal of Accounting and Economics*, 50(2), 127-178.
- 15- Kordestani, Gholamreza and Alavi Sayed Mostafi (2011), Investigating the Transparency of Accounting Profit on the Cost of Equity Shares, Quarterly Stock Exchange, Third Year, No. 12, pp. 61-43.
- 16- Pourhydari, Omid -Fadavi, Mohammad Hassan and Amini Nia, Meysam (2013), Investigating the Impact of Tax Avoidance on Transparency of Financial Reporting of Companies Listed in Tehran Stock Exchange, Economic Research Bulletin, Volume 14, Number 52, pp. 85- 69.
- 17- Pourzamani, Zahra & Joushan, Zahra (2016), Investigating the Relationship between Information Asymmetry and Different Tax Avoidance Strategies, 6th International Conference on Modern Research in Management, Economics and Accounting.
- 18- Rezaei, Farzin, and Jafari Niraki, Rouhollah (2015), The Relationship between Tax Avoidance and Corporate Accounting Fraud, *Tax Research Journal*, Twenty-third Year, No. 26, pp. 134-109.
- 19- Souri, Ali, Econometrics with the Use of Ouyz Software, Cultural Publications, 2012, pp. 355-67.
- 20- Tahmasebi Khoren, Saeed. (1395). "The Impact of Tax Avoidance, Disclosure Quality and Information Asymmetry on Earnings Management of Companies Listed in Tehran Stock Exchange," MSc Thesis, Faculty of Economics and Administrative Sciences, University of Mazandaran.
- 21- Wang, X. (2011, August). Tax avoidance, corporate transparency, and firm value. *In 2011 American Accounting Association Annual Meeting-Tax Concurrent Sessions*.

- 22- Watts, R. and Zimmerman, J. (1978). Towards a Positive Theory of the Determination of Accounting Standards. *The Accounting Review*, 53 (1), 112-134.
- 23- Welker, M. (1995). Disclosure Policy, Information Asymmetry, and Liquidity in Equity Markets*. *Contemporary accounting research*, 11(2), 801-827.

